



نیشدارو

از: ف-ر، راوی

توضیح ضروری: کلیه مطالب این صفحه بوسیله خبرنگار اعزامی "نیشدارو" به بورکینافاسو ارسال گردیده و یا از منابع خبری آن ولایت ترجمه شده است.
هرگونه شباهت احتمالی میان "ماه من" با "ماه گردون" قبلاً تکذیب میشود.

دردهای بیدرمان

راوی میگفت چون در کشور بورکینافاسو گهگاه کمبودهای مقطوعی، موضعی، مستمر، سیستمیک محدود و نامحدود بعضی اقلام داروئی بروز میکد و هر چند گاه یکبار داروهای یک بیماری نایاب، کمیاب، زریاب!! یا ارزیاب!! میگردد و بعیارتی ناگهان یک درد معمولی "بیدرمان" میگردد، وزارت حفظالصحت ترسیی داده است که هر هفته لیست اسامی دردهای بیدرمان به آگاهی شهروندان آن ولایت بررسد تا بیماران محترم بتوانند در صورت نیاز به بیماریهایی که درمان قابل خصوصیت دارد مبتلا گردند. راوی میگفت در هفته‌های اخیر تاکید شده که کسی گردابتلا به " بواسیر" نگردد!!

واگذار میشود

یک قلم داروی حیاتی بانام تجاری "نوشدارو"، اکبند، ساخت توران! به دلیل عدم نیاز! و رفع حاجت به مقاضیان مشرف به موت با ارز رفاقتی (دو سه تومان کمتر از ارز رفاقتی) واگذار میشود.

ورثه سه راب ولد رستم

عزت مالش!

گفت: میدونی از میان اینهمه دارو فقط "مالیدنیها" ارتقاء بهاء یافتند.

گفتم: اینکه از قدیم رسم بود، و نوع خاصی از مالیدن بسیار ارج داشت.

گفت: آخه میگ مظنه آلومینیم بالا رفته، و این دلیل امر بوده. گفتم: چه ساده‌ای پسر، اگه این مطلب صحت داشت که اول باید آلومینیم هیدروکسایدگرون میشد.

ریاضیات نوبن

فیثاغورث یکدفعه در المپیاد ریاضی شرکت کرد . از او پرسیدند : اگر قیمت یک شیشه ۱۲۵ سی سی الگریر دیفن هیدرامین ۶۵ ریال بوده باشد ، تعیین کنید قیمت یک شیشه ۶۰ عسی سی آرا ؟

راوی میگفت : از جواب فیثاغورث خبر نداریم اما در یک سنگ نبشه مربوط آن روزگار با خط میخی چنین درج شده که فیثاغورث با جوابی که باین مسئله داد آبروی ریاضی دانهای روزگار را حسابی به باد داد !

جدول ضرب داروسازی

مریض داشت دادوبیداد میکرد که : دکتر گفته داروخانه نسخه رو اشتباهی پیچیده ، من توی نسخه آمپول ۱۲ B نوشتم ولی داروخانه آمپول ۶ B داده . با خونسردی ناشی از سی سال تجریه عملی زل زد توجشم مریض : دکتر بی خود کرده ، مگه خودت جدول ضرب نمیدونی ؟ خوب مرد حسابی ۲ تا ۶ B بہت دادم . یعنی دو شیش تا دوازده تا نمیشه ؟ !

تاریخچه مختصر داروسازی در بورکینافاسو

گزارش مستند : از راوی :

در بورکینافاسو دو گروه مختلف در امر دارو دخالت دارند : دواساز و دوا بازها اجداد گروه اول بساز و بفروش ! بودند یعنی فی الواقع نسخه طبیب را توی داروخانه میساختند و بعد میفروختند . آدمهای ایندسته به زعم خودشان کباده کش "علم" بودند . دسته دوم موقعی وارد کار شدند که خرید و فروش دارو ساده‌تر شده بود ، یعنی داروخانه‌ها تنها داروهای حاضر و آماده را عرضه میکردند . اینها با وجود اینکه درس "دواسازی" نخوانده بودند اما

از "دوا بازی" حسابی سر رشته داشتند . از اینرو بخودشون برآتیکی یا هزیان بورکینافاسوئی "عملی ؟" میگفتند .

دسته اول به علمش مینازید و کلفتی کتابهای که خونده بود ، اما دسته دوم به شروتش مینازید و پینه‌های سابق دستش ! ایندسته سالها توی سروکله هم زدن دو برای لحظه‌ای نتوانستند درویش وارد رگلیمی بنام "داروخانه" بخسبند . تا اینکه در مغلوبه جنگ میان ایند و چشم مردم به جمال دسته سوم ! ! روش شد که نه علمی بودند و نه عملی . اینها فقط "پرتابل" بودند و بنظر جامعه شناسان نتیجه نفوذ فرهنگ پرتابل سازی زاپن ! ! دسته سومی ها فقط یک کیف سامسونت داشتند که با فشار یک دکمه بدل به یک دراگ استورقابل حمل و نقل میشد . اینها واقعا "کیمیاگر بودند چرا که اغلب داروهای را که حکم کیمیا داشت ، یا داشتند و با "ارز" آزاد میفروختند ، و یا نداشتند اما با "عرض" معذرت و قبول بیعانه به رحال آنرا تهیه میکردند . اینها دودی هم بودند باین معنی که با پس شدن هوا در حوالی دانشگاه ، پنداری دود ، به آسمان دودی میپیوستند .

چنانچه شاعر فرمود :

لحظه‌ای چند بر آن چرخ کبود
نقطه‌ای بود و دگر هیچ نبود
ناظران معتقدند که برای جهان سوم همیشه
راه حل‌های سوم کار سازتر است .

کل طبیب

یک تابلو بلند بالا پشت ویترین داروخانه
نصب شده بود باین مضمون
داروی قطعی ریزش مو رسید
با دفترچه بسیج به هر نفر فقط یک شیشه تحويل
میشود .
دردمدان صف کشیده بودند و با دفترچه
بسیج یکی یکی جلو میآمدند و از دکتر کچل
و کاملاً " طاس داروخانه نفری یک شیشه داروی
قطعی ریزش مو خریداری مینمودند .

رشد موسیقی

میگفت یکی از دوستان مشترک بدون اینکه
سرنشتهای از موسیقی داشته باشد داره " نار "
میزنه . پرسیدم مگه میشه ؟
گفت چرا که نه . تو هم میتونی ۲۹ تومن بدی
یک صابون " نار " بخری بری توی حموم و شروع
کنی " نار " زدن !!!

مگه کار از محکم کاری عیب میکنه ؟

مستأصل و عاصی به من متول شد که براش
آمپول ضد ار - هاش (رگام) تهیه کنم . میگفت
۵ روزه دارم دنبالش میگردم . . . با حریت
نگاهش کردم و گفتم : مگه نمیدونی خاصیت
این آمپول اینه که حداکثر نا ۷۲ ساعت بعد
از زایمان تزریق بشده ۱۰ روز . . . سری تکون
داد : بابا توهم که مارو دست کم گرفتی عیال
حقیر ۱ روز پیش تازه تست گراویند کش
(تست تشخیص بارداری) مثبت شده گفتم و اسه
محکم کاری یه خورده زودتر بگردم دنبال دوا
شاید قبل از انقضایه تاریخی که گفتی پیدا شی
کنم ! !!

استمداد از خواجه شیراز

در مطب یکی از دوستان پزشک که بدلیل خلف
و عده های مستمر بیمه در پرداخت حق ویزبتها
از پذیرش دفترچه بیمه و بیمار بیمه ای امتناع
میکرد با خط خیلی خوش این تابلو نصب شده
بود :

در دفتر طبیب " خرد " " عشق " بیمه نیست
ای دل به درد خوکن و نام دوا مبر